

چند قاب از اختتامیه جشنواره چهل و سوم

موسی به روایت ابراهیم رکورددار سیمرغ



ابراهیم حاتمی کیا کارگردان «موسی کلیم الله» چهره ویژه اختتامیه بود. در سمت راست و چپ و پشت به دوربین محمود رضوی (تهیه کننده) و کیوان مقدم (طراح صحنه) به چشم می‌خورند.



میثم یار دبلو و حسین قورچیان جوایز بهترین صدای ابرای «گوزن های اتوبان» گرفتند.



کارن همایونفر و یک سیمرغ بلورین دیگر. او برای موسیقی «اسفند» سیمرغ گرفت.



کیوان مقدم یکی از عوامل برنده سیمرغ فیلم «موسی کلیم الله».
مقدم سیمرغ بهترین طراحی صحنه را به خانه برد.



علی زند و کیلی در میانه های اختتامیه، همه را میزبان صدای گرم و رسایش کرد.

بی نظم منظم

پایان چهل و سوم

جشنواره را به سینما برگردانیم



علیرضا محمودی

همزمان با برگزاری چهل و سومین جشنواره فیلم فجر از ۱۲ تا ۲۲ بهمن، ارزش برابری دلار با ریال به اندازه‌های تغییر کرده که تولید یا ایده تولید یا تداوم تولید برخی پروژه‌ها دچار تغییرات شود. با چنین سرعت و ابعادی از وقوع تحولات سرنوشت ساز در سینمای ایران، جشنواره فیلم فجر به عنوان یک رویداد ملی با روش درجه بندی و منش جیم سازی مدیریت می‌شود. هنوز قرار است سهم نهادها در داوری لحاظ شود و با بیرون گذاشتن فیلم‌ها از برنامه نمایش، ملاحظاتی بیرون از مقررات جشنواره را به فیلمسازان تحمیل کنند. جشنواره فیلم فجر تازمانی که نمی‌تواند نهاد مستقلی باشد و توانایی پذیرش مسئولیت بازتاب دهنده همه سلاقی فرهنگی سینمای ایران باشد، توانایی تأثیر ندارد. جمع کردن چند فیلم و نمایش پی در پی و کارگردانی اختتامیه فقط یک پروژه عددسازی بیشتر نیست. امکان تبلیغاتی برای اکران و نمایش عمومی و کمک به اقتصاد سینما شعار بزرگی برای دورهمی فعلی است. وقتی همه چیز ذیل یک مدیریت تازه بر سر کار آمده‌ای تعریف می‌شود که هنوز وقت تجربه هولناک شرایط سینما را ندارد و فریب رکورد «فسیل» و فروش «زودپز» را می‌خورد، سینمای ایران نیاز به یک نهاد مستقل ملی برای بازتاب همه سینمای ایران بیشتر از هر زمان دیگری احساس می‌کند. چهل و سومین جشنواره فیلم فجر تمام شد، اما تمامیت سینمای ایران سودی از آن نکرده. کشف بزرگ حذف شده‌ها بودند و انتخاب شده‌ها در نهایت سود را جیب به جیب نهادهای سرمایه گذار کردند. اگر جشنواره فیلم فجر نمی‌تواند مانند کن که برای سینمای فرانسه، ونیز که برای سینمای ایتالیا و برلین که برای سینمای آلمان حیثیت هنری و توان اقتصادی باز تولید کند، تکرار آن به روش‌های موسوم این سال‌ها چه دستاوردی جز سترون کردن مفهوم جشنواره دارد. حتما می‌پرسید مخاطب این نوشته کیست؟ مخاطب این نوشته فیلمسازان و تهیه کنندگانی هستند که قدرت اجتماعی سینما و مرجعیت ملی این زبان همگانی را طی ۲۲ دهه گذشته به خاطر منافع شخصی و محدود خود نابود کرده‌اند و توانایی برگزاری یک رویداد ملی از جامعه سینمای ایران را گرفته‌اند. تکلیف دولت‌ها با سینما از دهه ۶۰ که روشن است. کدام صنف و مجمع صنفی توانایی حرکت ملی در بطن سینما با پوشش دادن همه سلاقی را دارد؟ تکریم بازیکنان و ترحیم درگذشتگان همه دارایی ما از ثروت سینما نیست. جشنواره سینمای ایران را باید اهالی سینما برگزار کنند.

عکس نوشت

یادایم در اختتامیه چهاردهمین جشنواره فیلم فجر

عکس یادگاری هنرمندان و مدیران سینمای ایران در پایان اختتامیه چهاردهمین جشنواره فیلم فجر ۲۲ بهمن ۱۳۷۴ در تالار وحدت. ایستاده از راست: احمد مراد پور، حسین یاری، شادروان کیومرث پوراحمد، شادروان داود رشیدی، عزت الله ضیغامی، سیدمصطفی میرسلیم، محمد مهدی دادگو، شادروان عزت الله انتظامی، مسعود اوحدی، زنده بادن ساموئل خاچیکیان و جلال معیریان و احمد رضا درویش نشسته از راست: کمال تبریزی، عبدالله علیمراد، عبدالحسین برزیده، زنده یاد سیف الله داد، محمود کلاری، جمشید بایرامی، نظام الدین کیایی و جواد شریفی راد.

